

به نام خدا

درس ششم (مهر و وفا) جواد صمدی پور

- * گفتا غمت سر آید: (محبوب) گفت: اندوهت به پایان می‌رسد. سر آمدن: کنایه است.
- * گفتم که ماه من شو، گفتا اگر بر آید: **ایهام** دارد. ۱- اگر طلوع کند. ۲- اگر ممکن باشد.
- * **مهروروزان**: عاشقان
- * **خوبرویان**: زیبارویان
- * گفتا که «شبرو» است او، از راه دیگر آید: شبگرد و عیار
- * گفتا اگر بدانی، هم اوت رهبر آید: **جهش ضمیر** دارد.

- * گفتم خوشا هوایی کز باد **خُلد** خیزد
بِهشت
- * گفتا **خُنک** نسیمی، کز کوی دلبر آید
خوشا، نیکا
- * گفتم که **نوش لعلت**، ما را به آرزو کُشت
نوعی سنگ قیمتی قرمز رنگ، استعاره از لب
- * گفتم **دل رحیمت**، کی **عزم** صلح دارد.
مهربان تصمیم

* در «**ایهام**» هر دو معنی مدنظر است اما در کنایه فقط معنی دور. به عبارتی دیگر تأکید بر معنی دور است (مانند دستِ فلانی کج است؛ دزد است).

* در بیتِ آغازین این غزل حافظ، قافیه و ردیف استثنائاً در هم ادغام شده‌اند.

- گفتم غم تو دارم، گفتا غمت سر آید
گفتم ز مهروروزان، رسم وفا بیاموز
- گفتم که ماه من شو، گفتا اگر بر آید
گفتا ز خوبرویان، این کار کمتر آید

- * **موشی بگرفتند و در حقه کردند**: موشی گرفتند و آن را داخل صندوقچه‌ای (جعبه کوچکی) گذاشتند.
- * **شیخ فرمود: زینهار**، تا سر این حقه باز نکنی: آگاه باش، احتیاط کن، حواست باشد.
- * **سودای آتش بگرفت**: کنجکاو شد (سودا: به معنی فکر و خیال نیز به کار می‌رود)
- * **من از تو، سرّ خدای تعالی، طلب کردم**: اسرار الهی را از تو درخواست کردم.

* بیت: «غم و شادی جهان را نَبُود هیچ ثبات

کدام یک گزینه «قرابتِ معنایی» دارد؟

الف) گفتم غم تو دارم، گفتم غمت سرآید گفتم که ماه من شو، گفتم اگر برآید

ب) گفتم دل رحیمت، کی عزم صلح دارد گفتم مگوی با کس، تا وقت آن در آید

ج) گفتم خوشا هوایی، کز باد خُلد خیزد گفتم خُنک نسیمی، کز کوی دلبر آید

د) گفتم زمانِ عشرت، دیدی که چون سرآمد گفتم خموش حافظ، کاین غصه هم سرآید



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir